

ماهیت و کارکرد نمایندگی در قراردادهای تجاری بین المللی ایران و اروپا

احمد حیدری *

حکمت الله عسکری *

چکیده

اصل نمایندگی در مناسبات بین المللی و نیز در مناسبات درون جوامع از اصول دیرپای حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. اقداماتی که نماینده بر این اساس انجام می دهد، اعمال نمایندگی نام دارد. اعمال نمایندگی موجب می گردد که اولاً؛ یک رابطه بین اصیل و شخص ثالث یا نماینده و شخص ثالث ایجاد شود ثانیاً؛ رابطه درونی نمایندگی (بین اصیل و نماینده) خاتمه یابد و نماینده از چرخه تئوری نمایندگی بیرون رود، چنانچه در مواردی نماینده در قبال شخص ثالث مسوول اجرای تعهدات قراردادی باشد این مسؤلیت بر اساس تشکیل یک رابطه حقوقی بین شخص ثالث و ایشان می باشد و نه رابطه درونی اش با اصیل. در اینجا این سوال پیش می آید، با اینکه اقدامات نماینده از یک سو، انجام اختیارات اصیل است و از سوی دیگر موجب رابطه حقوقی بین اصیل و شخص ثالث می باشد، از لحاظ حقوقی چه ماهیتی برای آن می توان متصور شد؟ کارکرد این ماهیت حقوقی در چه زمینه هایی است؟ در این مقاله به واسطه مطالعه، بررسی و تحلیل منابع و اسناد موجود و تدقیق در آنها، ماهیت این پدیده حقوقی معین شده است و همچنین به کارکردهای آن در حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین المللی (PICC) و اصول حقوق قراردادهای اروپایی (PECL) پرداخته شده است تا از این طریق و با مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی مختلف، تشابهات و اختلافات مواضع آنها مشخص گردد و بتوان راهکارهای لازم برای هماهنگی با این اسناد بین المللی که اصولاً حاوی ضوابط و قواعد حقوق عرفی بازرگانی بین المللی هستند، ارائه داد.

واژگان کلیدی: تجارت بین المللی، نمایندگی و کارگزاری بین المللی، قراردادهای بین المللی



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره نخست، شماره

بیست و ششم

زمستان ۱۳۹۶

* دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

* عضو هیات علمی حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، نویسنده مسئول

hekmat_askari@iaushiraz.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۹/۱۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱/۲۶

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره بیست و ششم، صص ۲۶۸-۲۴۳

اعمال نمایندگی رکن اجرایی رابطه نمایندگی است. از طریق اعمال نمایندگی فعالیت‌های تولیدی، توزیعی و خدماتی مردم مدیریت می‌گردد و امورات آنان با سرعت بیشتر و هزینه کمتری به سرانجام می‌رسد. استفاده از نماینده، دارای مزیت‌هایی است و فقدان آن، کارایی و کارآمدی افراد را محدود به توانایی شخصی‌اش می‌نماید، لیکن استفاده از دیگری تحت عنوان نماینده توانایی افراد را در انجام اموراتشان چه در عرصه داخلی و یا بین‌المللی افزایش می‌دهد.

به موجب قرارداد نمایندگی، اصیل، دیگری را به عنوان نماینده خود منصوب می‌نماید این برابر با رابطه درونی نمایندگی (External Relationship) است. اعطای اختیار ناشی از تنفیذ (Unauthority Agency)، اختیارات ظاهری (Appearant Authority) و یا احیاناً تئوری استاپل (Estoppel Doctorin) که در برخی از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده نیز از مبانی تحقق اعمال نمایندگی است، لذا منحصر به اختیارات واقعی (Actual Authority) نمی‌باشد. این اختیارات در عرصه قراردادهای تجاری بین‌المللی و قراردادهای داخلی به شیوه‌های مختلفی اعمال شوند. علی‌ای حال، نماینده نیز بر اساس این مبانی و به موجب آنها یکسری تکالیف اخلاقی و حقوقی بر اصیل بار می‌کند که برابر با رابطه خارجی نمایندگی (External Relationship) است. در اینجا اصیل بایستی تمام آثار ناشی از انتخاب و انتصاب نماینده را در محدوده اختیارات اعطایی بپذیرد. مشاهده می‌گردد که به موجب قرارداد نمایندگی، نماینده مکلف می‌گردد که امورات ناصب خود را انجام دهد انجام دادن این امورات به معنای اعمال نمایندگی است لیکن از لحاظ حقوقی، کار در همین جا به پایان نرسیده است و اعمال نمایندگی به فراخور شیوه اعمال و مبانی تحقق آن، موجد روابط مختلف حقوقی است و همچنین این اختلاف‌ها آثار جداگانه‌ای در پی دارند که ممکن است در عرصه قراردادهای بین‌المللی و داخلی یکسان نباشد.

به موجب اعمال نمایندگی اولاً؛ یک رابطه حقوقی بین اصیل و شخص ثالث و یا نماینده و شخص ثالث ایجاد می‌شود ثانیاً؛ رابطه درونی نمایندگی (بین اصیل و نماینده) خاتمه

یابد و نماینده از چرخه تئوری نمایندگی بیرون می‌رود، چنانچه در مواردی نماینده در قبال شخص ثالث مسوول اجرای تعهدات قراردادی باشد این مسوولیت بر اساس شکل-گیری یک رابطه حقوقی بین شخص ثالث و ایشان می‌باشد و نه رابطه درونی‌اش با اصیل. باری به جهت، با اینکه اقدامات نماینده از یک سو، انجام اختیارات اصیل است و از سوی دیگر موجب رابطه حقوقی بین اصیل و شخص ثالث می‌باشد، از لحاظ حقوقی چه ماهیتی برای آن می‌توان متصور شد؟ رویکرد نظام های حقوقی مورد مطالعه در این خصوص چگونه است؟ کارکرد این ماهیت حقوقی در چه زمینه‌هایی است؟ در این مقاله به واسطه مطالعه، بررسی و تحلیل منابع و اسناد موجود و تدقیق در آنها، ماهیت این پدیده حقوقی معین خواهد شد و همچنین به کارکردهای آن در حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (PICC) و اصول حقوق قراردادهای اروپایی (PECL) می-پردازیم تا از این طریق و با مطالعه تطبیقی نظام‌های مختلف حقوقی، تشابهات و اختلافات مواضع آنها مشخص گردد و بتوان راهکارهای لازم برای هماهنگی با این اسناد بین‌المللی که اصولاً حاوی ضوابط و قواعد حقوق عرفی بازرگانی بین‌المللی هستند، ارائه داد. هرچند که تاکنون به تئوری نمایندگی با چنین رویکردی و تاکید بر این جزء از آن تئوری پرداخته نشده است.

لازم به ذکر است که ابتدائاً برای تحلیل و بررسی ابعاد یک ماهیت حقوقی نیاز است که مفهوم آن را بشناسیم و از طریق شناسایی مفهوم یک پدیده حقوقی، ماهیت آنرا تعیین نماییم تا بتوان به کارکردهای آن دست یافت. با این توصیف، مشخص است که اعمال نمایندگی یک امر کاملاً اختیاری است که ممکن است صرفاً مبانی تحقق آن متفاوت باشد مبانی تحقق آن می‌تواند قرارداد، قانون، عرف و یا ظاهر باشد لیکن همانطور که گفته شد ذات اعمال نمایندگی با هر مبانی، ارادی است. در این مقاله چون دو سند مهم بین‌المللی برای تطبیق با حقوق ایران مد نظر می‌باشد و این اسناد نیز صرفاً ناظر بر امورات قراردادی هستند. به موجب بند ۳ ماده ۱-۲-۲ در اصول قراردادهای تجاری بین-المللی^۱ و همچنین بند ۲ ماده ۱۰۱-۳ اصول حقوق قراردادهای اروپایی^۱ فقط جنبه

¹ It does not govern an agent's authority conferred by law or the authority of an agent appointed by a public or judicial authority.

قراردادی نمایندگی را تحت قلمرو خود آورده‌اند لهذا بررسی و تحلیل مباحث این مقاله در مفهوم و ماهیت قراردادی مورد نظر می‌باشد. می‌دانیم که ماهیت‌های قراردادی بر اساس اصل حاکمیت اراده استوار هستند لذا برای تعیین ماهیت یک پدیده حقوقی قراردادی محصور در دامنه این اصل خواهیم بود و کارکردهای ماهیت‌های حقوقی قراردادی نیز قطعاً متأثر این قاعده می‌باشند. در ابتدای این مقاله تلاش شده است که مفهوم اعمال نمایندگی را بیان نماییم با توجه به این مفهوم و لحاظ اصولی چون اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده به دنبال تعیین ماهیت حقوقی آن می‌رویم. خوب می‌دانیم که ماهیت‌های حقوقی بنا بر ذات خود کارکردهایی دارند این کارکردها هستند که ارزش یک ماهیت را تعیین می‌کنند این ارزش می‌تواند هم از حیث نظری و هم کاربردی برای انسان‌ها مفید و کارساز باشد قطعاً اعمال نمایندگی نیز از این مقوله جدا نخواهد بود. شناخت این کارکردها موضوع بعدی مورد مطالعه در این مقاله می‌باشد. با توجه به اینکه مقوله نمایندگی از پر کاربردترین مباحث حقوقی در عرصه‌های مبادلات بازرگانی داخلی و بین‌المللی است، فلذا بی‌توفیر نخواهد بود که این مهم را همزمان و به صورت تطبیقی از نگاه دو سند مهم بین‌المللی بررسی نماییم بنابراین اعمال نمایندگی را در نظام حقوق داخلی ایران به عنوان یک نظام داخلی حقوق نوشته و دو سند مهم بین‌المللی در عرصه تجارت بین‌الملل یعنی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی بررسی خواهد شد تا از این طریق چالش‌های موجود در آن نظام‌های حقوقی روشن گردد مزیت و برتری هر یک از آنها نسبت به دیگری تبیین شود نقاط قوت و ضعف هر یک تعیین شود تا از این طریق بتوان به راهکارهایی جهت سازگاری و هماهنگ‌سازی نظام‌های حقوقی جهان دست یافت. یکسان‌سازی مقررات حقوقی راهی به سوی جهانی شدن می‌باشد جهانی شدن نیز تسهیل و سرعت در روابط بین‌المللی به ویژه عرصه مبادلات بازرگانی بین‌المللی در پی خواهد داشت این قاعده از اهداف اسناد مهم بین‌المللی علی‌الخصوص دو سند مورد مطالعه می‌باشد که در مقدمه آن اسناد به صراحت نیز از چنین اهدافی گفته شده است.

۱) مفهوم اعمال نمایندگی

واژه "اعمال نمایندگی" بر حسب اینکه از چه منظر و دیدگاهی مورد بحث و تحلیل قرار گیرد، ممکن است معانی و مفاهیم متعددی پیدا کند، کثرت این مفاهیم (Civil law) به دلیل استعمال بیش از حد آن در مباحث مختلف تجاری، اقتصادی، فنی و حقوقی است. در این گفتار بدنبال مفهوم حقوقی اعمال نمایندگی می‌باشیم.

۲۴۷

۱-۱) مفهوم لغوی و اصطلاحی اعمال نمایندگی

اعمال کردن واژه‌ای از باب مصدر مرکب است که در لغت به معنی بکار بستن، بکار انداختن، بکار بردن، عمل کردن می‌باشد.

در ردیف این واژه در لغت‌نامه دهخدا، عبارت اعمال "نفوذ کردن" بکار گرفته شده است که به معنی، نفوذ و قدرت را بکار بستن، از مقام خود در انجام دادن کاری استفاده کردن، اعتبار و شخصیت خود را بکار بردن، می‌باشد (دهخدا، ۱۳۳۷: ۷۷۸ و معین، ۱۳۶۴: ۴۸۱۳). اما، در دفاع از آن تعریف باید گفت که صاحب تعریف در بیان تعریف خودش به نمایندگی قراردادی نظر داشته است، زیرا ایشان پس از ارائه تعریف به بیان اقسام نمایندگی پرداخته است و متعاقباً به صراحت اعلام داشته‌اند که این تقسیم‌بندی به اعتبار سبب ایجاد نمایندگی یا امری خارج از ماهیت این رابطه حقوقی است و هیچ کمکی به تعیین شرایط نمایندگی و چگونگی اجرای اختیار و صلاحیت نماینده نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۵۶).

۱-۲) مفهوم حقوقی اعمال نمایندگی

معادل حقوقی عبارات بکار بستن و بکار بردن، اجرا کردن می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۹). بنابراین، اعمال کردن در علم حقوق به معنی بکار بردن و بکار بستن قانون، احکام دادگاه‌ها، مفاد اسناد رسمی و تعهدات قراردادی است، لذا اصطلاح "اعمال نمایندگی" در لغت به معنای "اجرای تعهدات قانونی، قضایی و قراردادی برای دیگری است" و می‌توان از لحاظ حقوقی آن را چنین تعریف کرد؛ رأی قدرت و اختیار از جانب شخصی، مطابق با مدلول قانون، حکم دادگاه‌ها و قرارداد خصوصی در جهت

انجام یک عمل حقوقی و در نتیجه ایجاد یک تعهد یا یک حق به نام و به حساب دیگری (منسوب عنه).

۲) نهادهای مشابه با اعمال نمایندگی

۱-۲) اعمال توزیع

در موافقتنامه‌های توزیع (Sole distribution) شخصی به عنوان توزیع‌کننده معرفی می‌شود. این شخص اصطلاحاً نماینده یا نماینده کل نامیده می‌شود، اما در واقع یک نماینده خاص موضوع قرارداد نمایندگی تلقی نمی‌گردد. در این موافقتنامه‌ها، تولیدکننده که اصولاً یک شرکت خارجی است با یک خریدار عمده داخلی توافق می‌کند که اگر فروشنده قصد فروش تولیدات خاص خود را در منطقه و یا کشور خریدار داشته باشد، این تولیدات را به خریدار بفروشد و ممکن است خریدار نیز توافق کند که چنانچه درصد خرید کالاهایی از نوع تولیدات فروشنده را داشته باشد فقط از ایشان خریداری نماید. در اینجا خریدار که به نوعی توزیع‌کننده نیز محسوب می‌گردد به طور مستقل عمل می‌کند نه به دستور تولیدکننده و سود ناشی از فروش نیز به خریدار اختصاص دارد (امیری، ۱۳۹۰: ۷۱). در حالیکه، اعمال نمایندگی اجرای فرامین و دستورات دیگری است.

۲-۲) اعمال حق امتیاز در قراردادهای لایسانس (Licensing Contract)

قراردادهای لایسانس یا واگذاری امتیاز بهره‌برداری یکی از طرق انتقال حقوق مالکیت فکری است و از اقسام سرمایه‌گذاری خارجی موضوع قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ محسوب می‌گردد. در این قراردادها دارنده حقوق مالکیت فکری (Industrial Property Right) در مقابل مبلغی معین (Royalty) بهره‌برداری از حقوق خویش را که شامل؛ دانش فنی (Know-How)، حق اختراع (Patent Right)، اسم تجاری (Trade Names)، علائم تجاری (Trade Marks) و خدمات تخصصی (Specialized Services) است در مدت معین به یک فرد و یا یک شرکت واگذار می‌کند. در اینجا گیرنده امتیاز، مالک بازار فروش یا ارائه‌کننده خدمات است و واگذارکننده امتیاز

۱ بند د ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۹

۲ حق الامتیاز

بدون اینکه سود و ضرری متوجه او شود، حق الامتیاز قراردادی خود را دریافت می‌کند، در حالیکه در اعمال نمایندگی، سود و زیان ناشی از اقدامات نماینده، مستقیم یا غیرمستقیم متوجه اعطاءکننده اختیار است. مضافاً اینکه در اعمال برخی از قراردادهای لیسانس، دولت‌ها در خصوص نحوه تنظیم و میزان امتیازات، دخالت کرده و مقررات امری وضع می‌کنند (هداوند، ۱۳۸۴: ۴۷). در حالیکه اعمال نمایندگی، اجرای نیابت اعطایی است و یک رابطه خصوصی محض بحساب می‌آید.

۲-۳) اقدامات شرکت‌های وابسته (Affiliated Company)

۲۴۹

یکی از روش‌های امروزی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی تاسیس و راه‌اندازی شرکت‌های وابسته است. ممکن است شرکت مادر بنابر دلالتی مایل به تاسیس شرکت فرعی نباشد. در چنین مواردی شرکت‌های مادر اقدام به خرید بخشی از سهام دیگر شرکت‌های موجود یا در حال تاسیس در کشورهای دیگر می‌کنند که معمولاً حدود ده درصد سهام آن شرکت‌هاست. این نوع رابطه، وابستگی به معنای اخص نام دارد. البته وابستگی به معنای عام نیز وجود دارد و به مواردی گفته می‌شود که یک شرکت به هر دلیلی، خواه از طریق تملک سهام و خواه دلایل دیگر به شرکت دیگر وابسته باشد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۲ و ۴۳). در مقررات ایران این وابستگی از طریق (۲۰) درصد سهام شرکت امکان‌پذیر است و این امر از مواد (۸۸) و (۱۰۷) لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ استنباط می‌گردد. اما نه در این قانون و نه در سایر قوانین در خصوص شرکت‌های وابسته تعریف دقیق، جامع و روشنی وجود ندارد. ماده (۵) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ از عنوان شرکت وابسته تعریفی ارائه کرده بود که این تعریف در قانون سال ۹۴ حذف گردیده است. به موجب آن مقررات، شرکت وابسته به شرکتی اطلاق می‌گردد، که قسمتی از سهام آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران یا شرکت‌های وابسته باشد. در تصویب نامه شماره ۲۴۵۳۷/ت/۲۳۷۰۸ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۰ هیات وزیران، به شرکتی اطلاق شده است که بیش از پنجاه درصد سرمایه یا سهام آن متعلق به دستگاه اجرایی باشد. این تصویب‌نامه به موجب رای شماره ۴۵۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است. براساس مدل قراردادهای بیع متقابل نفتی سال ۲۰۰۸، شرکت وابسته، هر



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نخست، شماره

بیست و ششم

زمستان ۱۳۹۶

شرکت یا شخصیت حقوقی است که توسط یکی از طرفین قرارداد یا شرکت‌های تحت کنترل آنان کنترل شود.^۱ در این تعریف از معیار کنترل استفاده شده است. معیاری که در اعمال نمایندگی هم نقش بسزایی دارد. بنظر می‌رسد تنها تفاوت بین شرکت‌های فرعی و وابسته از حیث رابطه با شرکت مادر، صرفاً عامل کنترل است. به عبارت دیگر میزان کنترل و تسلط بر شرکت‌های فرعی گاهاً به صد در صد می‌رسد و بندرت در حالت‌های حداقلی ده درصدی قرار می‌گیرد، اما در شرکت‌های وابسته میزان کنترل شرکت‌های مادر دارای محدودیت‌هایی است. از این رو اقدامات شرکت‌های وابسته برای شرکت مادر به نوعی همان اقدامات شرکت مادر تلقی می‌گردد. لذا این اقدامات از مصادیق اعمال نمایندگی نیست، زیرا اساساً رابطه شرکت مادر با وابسته یک رابطه نمایندگی بحساب نمی‌آید.

۴-۲) اقدامات شرکت‌های هلدینگ (Holding Company)

در خیلی از موارد شرکت‌های هلدینگ بمانند یک شرکت فرعی مدیریتی تحت کنترل شرکت مادر است که در عین حال که مالکیت شرکت‌های فرعی و تابعه با اوست، به نوعی نقش واسطه‌گری را بین شرکت مادر و شرکت‌های فرعی آن ایفاء می‌کند و با اعمال مدیریت بر شرکت‌های اخیر، خواسته‌های شرکت یا شرکت‌های مادر را از طریق شرکت‌های فرعی و تابعه اعمال می‌نماید (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۰). هلدینگ‌ها برای تسهیل اعمال مدیریت بر شرکت‌های فرعی و کاهش هزینه‌های جاری و افزایش منافع تاسیس می‌شوند. این شرکت‌ها، سالیانه گزارش عملکرد خود را در اختیار شرکت مادر قرار می‌دهند (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۰).

فلسفه تشکیل هلدینگ‌ها که در موارد زیادی به عنوان سرمایه‌گذار ظاهر می‌شوند، اصولاً بر پایه دو عامل اساسی استوار است؛ یکی برای ایجاد فضای رقابتی و دیگری به منظور استفاده بهینه از منابع موجود است.

^۱Affiliate, means any company or legal entry which, control a party, or is controlled by a party, or is controored by a company or legal entity which controls a party.

بر این اساس فلسفه و اهداف هلدینگ‌ها و همچنین عملکرد آنها شبیه با نهاد نمایندگی است و اقدامات چنین شرکت‌هایی از مصادیق اعمال نمایندگی است. در حقوق ایران، این شرکت‌ها از مقررات منسجمی برخوردار نیست. لذا فی‌الحال می‌توان عموماً از نظریات و مطالب این پژوهش در خصوص اقدامات و اعمال هلدینگ‌ها بهره جست.

۵-۲) اقدامات شرکت‌های فرعی (Subsidiary Company)

برخی شرکت‌های بزرگ برای پیشبرد اهداف و فعالیت‌های خود در مکان‌ها و کشورهای مختلف، اصولاً شرکت یا شرکت‌های فرعی تشکیل می‌دهند. به منظور اعمال مدیریت و کنترل بر شرکت فرعی، شرکت اصلی یا مالک بخش بزرگی یا تمام سهام شرکت فرعی (Wholly Owned Subsidiary) است و یا اینکه دارنده سهام ممتاز دارای حق رای اضافی است.^۱ به عنوان نمونه در اساسنامه شرکت مشترک ایرانی-انگلیسی ذکر شده بود که ۸۰٪ سهام آن متعلق به شرکت ایرانی و ۲۰٪ آن متعلق شرکت انگلیسی است (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۴۲). در حقوق ایران در خصوص اصول و ضوابط شرکت‌های فرعی مقررات شفاف و منسجمی وجود ندارد، اما در عمل نمونه‌هایی از این شرکت چشم می‌آید. اساسنامه شرکت ملی گاز ایران مقرر داشته است: «شرکت ملی گاز ایران به صورت شرکت سهامی تشکیل می‌شود و شرکت فرعی شرکت ملی نفت ایران است». در قانون راجع با تاسیس شهرک‌های صنعتی ایران آمده است: «شرکت شهرک‌های صنعتی ایران می‌تواند شرکت‌های شهرک صنعتی در نقاط مختلف ایران تاسیس نماید که هر یک دارای شخصیت حقوقی مستقل باشد».

این متن قانونی بدون اشاره به شرکت فرعی اساساً ماهیت چنین شرکتی را بیان داشته است.

فعالیت شرکت‌های فرعی در عرصه تجارت بین‌الملل به ویژه در زمینه‌های معاملات تجاری بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی از نمود و گستردگی بیشتری برخوردار است (آتشی گلستان، ۱۳۸۸: ۲۸۰-۲۸۲).

۱ از این طریق شرکت مادر با ورود به هیات مدیره شرکت فرعی از حق رای بیشتر برای نظارت و کنترل شرکت فرعی برخوردار خواهند بود.

شرکت فرعی هیچ‌گونه مسوولیتی در قبال شرکت اصلی ندارد و شرکت اصلی هم وظیفه‌ای در قبال شرکت فرعی ندارد. چنانچه شرکت فرعی با شخص ثالث قراردادی منعقد نماید، شرکت مادر مسوولیتی در قبال شخص ثالث ندارد.

در قوانین و مقررات ایران، اصطلاح "شرکت فرعی" برای اولین بار در ماده الحاقی به نظام اجرایی قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ آمده است. به موجب این ماده: «در مورد شرکت‌های فرعی که از طرف یک شرکت تشکیل داده می‌شوند، اگر اکثریت سهام شرکت‌های فرعی متعلق به شرکت اصلی باشند، هر شرکت فرعی از نظر ثبت در حکم شعبه شرکت اصلی خواهد بود. در جای جای قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۵/۶ از شرکت‌های فرعی ذکر شده است، اما به صراحت تعریف نشده‌اند. منتهی در ماده (۵) قانون پیشین اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب ۱۳۵۶/۳/۱۱ شرکت فرعی چنین تعریف شده است: «منظور از شرکت فرعی یاد شده در این اساسنامه شرکتی است که: (۱) همه سهام آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران باشد؛ (۲) همه سهام آن متعلق به یک یا چند شرکتی باشد که تمام سهام آن شرکت یا شرکت‌ها متعلق به شرکت ملی نفت ایران باشد. با این تفاسیر، هنوز حقوق ایران در خصوص شرکت‌های فرعی مقررات منسجم و دقیقی ندارد.

با توجه به مطالب بیان شده، ساختار شرکت‌های فرعی قالب نمایندگی از شرکت‌های مادر ندارد، لذا نمی‌توان اقدامات چنین شرکت‌هایی را در چارچوب اعمال نمایندگی توجیه کرد. البته در ارتباط با نقش شرکت مادر در کنترل و مدیریت شرکت فرعی از طریق هیات مدیره آن شرکت، می‌توان رابطه نمایندگی را حاکم دانست. این موضوع در جای خود بحث شده است.

۳- ماهیت حقوقی اعمال نمایندگی

۳-۱) موضع حقوق ایران

اعمال نمایندگی رکن عملیاتی قرارداد نمایندگی است. به موجب اعمال نمایندگی، نماینده در چارچوب اختیارات اعطایی، امورات موضوع آن اختیارات را به سرانجام می‌رساند با این توصیف، اعمال نمایندگی انجام تعهداتی است که بموجب نیابت بر دوش نماینده قرار گرفته است، البته این استنباط با دیدگاهی که عقد را به معنای عهد یا عهد

موکد و یا عهد مشدد می‌داند و عقود اذنی را ماهیتاً عقد نمی‌داند و اطلاق واژه عقد بر آنها را تسامح می‌دانند سازگار نیست (نائینی، ۱۴۱۸: ۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۹۲). در این دیدگاه عقود اذنی حاوی تعهد و التزام نیست و اذن محض است، اما بر اساس دیدگاه دیگر، نماینده مکلف به انجام اختیارات اعطایی است و خودداری یا تاخیر در اجرای آنچه وکیل بر عهده دارد تقصیر و ضمان‌آور است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۰۰). ماده ۶۶۶ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «هرگاه از تقصیر وکیل خساراتی به موکل متوجه شود که عرفاً مسبب آن محسوب می‌گردد، مسوول خواهد بود.»، مضافاً اینکه، ماده ۲۱۹ ق.م.ا که حاوی اصل لزوم قراردادهاست، مطلق بوده و شامل عقود جائزه نیز می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۸۹) زیرا عقود اذنی تا قبل از فسخ و زوال، یک ماهیت حقوقی است که طرفین ملزم به تعهدات آن می‌باشند فلذا تعهد اصلی نماینده در قرارداد نمایندگی، انجام دادن موضوع اذن و یا همان اختیارات اعطایی است. سایر تعهدات در قلمرو آثار و یا تعهدات تبعی آن تعهد اصلی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال تعهد وکیل به رعایت مصلحت اصیل (ماده ۶۶۷ ق.م.ا) یا تعهد ایشان به دادن صورتحساب (ماده ۶۶۸ ق.م.ا) زمانی مطرح می‌گردد که نماینده نیابت اعطایی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۵۵) را انجام دهد. به عبارتی چنین مسوولیت‌هایی به تبع اعمال نمایندگی، یعنی همان انجام امورات تفویض شده، محقق می‌گردد. لهذا جوهره نمایندگی که اعطای نیابت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۵۴) به موجب اقدامات نماینده اجرایی و موثر می‌گردد. در نتیجه، اعمال نمایندگی مرادف با انجام دادن یکسری تعهدات متقبل شده از جانب نماینده می‌باشد. ماده ۶۵۷ قانون مدنی می‌گوید: «تحقق وکالت منوط به قبول وکیل است.» این ماده به این معنی است که قبل از قبول نماینده،

۱. ماده ۲۱۹ قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر این که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.»

۲. ماده ۶۶۷ قانون مدنی: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آن چه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار او است تجاوز نکند.»

۳. ماده ۶۶۸ قانون مدنی: «وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آن چه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند.»

یک اذن از جانب اصیل صادر شده است این اذن همان نمایندگی است، به عبارتی دیگر، نمایندگی اذن محض است و نیاز به هیچ‌گونه عمل حقوقی اضافه‌ای ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۵۴) متهمی قبول و کیل به معنی تقبل تعهدات و الزامات ناشی از انجام دادن موضوعات اذن اصیل است نه اینکه شرطی برای کامل شدن عقد نمایندگی باشد. نماینده به موجب اعلام رضایت خویش به اذن اصیل، می‌پذیرد که امورات موضوع اذن را انجام دهد. این اقدامات چیزی جز اعمال نمایندگی نمی‌باشد. پس می‌توان گفت که اعمال نمایندگی نوعی وفاء به عهد می‌باشد. این نظریه همسو با رویکرد گروه اول از اندیشمندان و فقهاء فوق‌الاشاره می‌باشد.

۲-۳) موضع PICC

بند ۱ ماده ۲-۲-۲ اصول، تحت عنوان تحقق یافتن اختیارات نماینده و محدوده آن، مقرر داشته: «اعطای اختیارات از سوی اصیل به نماینده ممکن است به شکل صریح یا ضمنی محقق شود.» براساس این بند، اعطای اختیارات (grant of authority) به نماینده از سوی اصیل محدود به شکل خاصی نیست و می‌تواند به صورت صریح یا ضمنی انجام شود. هرچند که متعارف‌ترین شکل اعطایی به صورت صریح، وکالتنامه است لیکن براساس این ماده، اصیل می‌تواند به صورت شفاهی یا طی یک نوشته عادی اختیارات لازم را به نماینده تفویض نماید (اخلاقی و امام، ۱۳۹۳: ۱۰۰). البته با توجه به اینکه اصول در اعطای اختیار به نماینده شکل و روش خاصی را تعیین ننموده و همچنین مصادیقی از نمایندگی قراردادی را استثناء نکرده است، بنابر اصاله العموم بایستی قایل به این گردید که اقدامات مدیران شرکت‌های تجاری نیز تحت شمول این ضوابط قرار می‌گیرد، بنابراین در مورد یک شرکت تجاری که با رأی هیأت مدیره، اختیاراتی به نماینده اعطاء می‌شود (اخلاقی و امام، ۱۳۹۳: ۱۰۰) و یا اینکه به موجب اساسنامه اختیاراتی به مدیران اعطاء می‌شود می‌تواند تحت شمول مقررات اصول قرار گیرد، مگر اینکه تابع مقررات ویژه‌ای باشند که واجد خصیصه امری باشد (اخلاقی و امام، ۱۳۹۳: ۹۸)، لذا اصل بر شمولیت ضوابط اصول می‌باشد. مگر اینکه مدعی بتواند امری بودن و

Article 2.2.2 (Establishment and scope of the authority of the agent): (1) The principal's grant of authority to an agent may be express or implied.

محدودیت قواعد خاص مربوط به ارکان شرکت تجاری را اثبات نماید. علی‌ای حال در این راستا و در تکمیل ماده فوق‌الاشاره و مطالب گفته شده، بند ۱ ماده ۵-۲-۲ اصول نیز می‌گوید: «در موردی که نماینده‌ای بدون داشتن اختیارات یا فراتر از محدوده اختیاراتش اقدام می‌کند، اعمال وی به روابط حقوقی بین اصیل و طرف ثالث تاثیری نمی‌گذارد مشاهده می‌گردد که در این سند بین‌المللی نمایندگی همان اعطای اذن است که از آن تحت عنوان اعطای اختیار یاد کرده است. چنین به نظر می‌رسد، در اصول به مانند حقوق ایران، به صرف اعطای اختیار به نماینده، نمایندگی ایجاد می‌گردد و اعلام رضایت نماینده به معنای تقبل انجام امورات موضوع آن اختیارات می‌باشد اعلام رضایت نماینده می‌تواند صریح و یا اینکه ضمنی باشد کما اینکه بر اساس ماده ۲-۲-۲ اصول، اعطای اختیار نیز به همین صورت پذیرفته شده است در این حالت با فرض اینکه نماینده، امورات اصیل را به سرانجام برساند اعمال نمایندگی صورت گرفته است بند ۱ ماده ۲-۲-۲ به صراحت از تاثیر اختیارات گفته است به این معنی که اختیارات اعطایی وقتی موثر واقع می‌گردند و موجب ایجاد یکسری روابط حقوقی خواهد شد که از جانب نماینده اعمال گردند به عبارت دیگری، پذیرش چنین اختیاراتی به معنای اعلام رضایت به اذن اصیل است، با این پذیرش نماینده تعهداتی را متقبل می‌گردد که عدم انجام آن مرادف با نقض عهد است و انجام آن وفای به عهد تلقی می‌گردد. مواد ۲-۳-۲-۱ و ۲-۲-۴ و همچنین ماده ۲-۲-۲-۵ از انجام نیابت تحت عنوان "اعمال نمایندگی"

1(1) Where an agent acts within the scope of its authority and the third party knew or ought to have known that the agent was acting as an agent, the acts of the agent shall directly affect the legal relations between the principal and the third party and no legal relation is created between the agent and the third party.

(2) However, the acts of the agent shall affect only the relations between the agent and the third party, where the agent with the consent of the principal undertakes to become the party to the contract

2(1) Where an agent acts within the scope of its authority and the third party neither knew nor ought to have known that the agent was acting as an agent, the acts of the agent shall affect only the relations between the agent and the third party.

(2) However, where such an agent, when contracting with the third party on behalf of a business, represents itself to be the owner of that business, the third party, upon discovery of the real owner of the business, may exercise also against the latter the rights it has against the agent.

3 (1) Where an agent acts without authority or exceeds its authority, its acts do not affect the legal relations between the principal and the third party.

(2) However, where the principal causes the third party reasonably to believe that the agent has authority to act on behalf of the principal and that the agent is acting within the scope of that authority, the principal may not invoke against the third party the lack of authority of the agent.

یاد کرده است. با ذکر این نکته که از منظر PICC کما اینکه در بند بعدی بیشتر خواهیم گفت، اعمال نمایندگی ماهیتاً اجرای تعهدات با صبغه تجاری بین‌المللی است. لهذا در این خصوص بین نظام داخلی ایران و PICC به جز این مورد و یکسری اختلافات جزئی ظاهری و لفظی، اختلافات اساسی و ماهوی به چشم نمی‌آید.

۳-۳) موضع PECL

هدف اولیه اصول حقوق قراردادهای اروپا اعمال آن به عنوان قواعد عمومی معاملات در اتحادیه اروپا است. اصول اروپایی نسبت به تمام قراردادهای قابل اعمال است، از طرف دیگر، محدوده منطقه‌ای اعمال اصول اروپا محدود به کشورهای عضو اتحادیه بوده و پوشش دهنده تمام قراردادهای (اعم از داخلی و فراملی) اعضای آن اتحادیه می‌باشد، مضافاً اصول حقوق قراردادهای اروپا نسبت به معاملات تمامی شهروندان قابل اعمال است (ر.ک: شعاریان، ۱۳۸۹). هرچند که در مقدمه سند خلف آن یعنی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اظهار شده است که این اصول متضمن قواعدی کلی برای قراردادهای تجاری بین‌المللی هستند، لیکن هدف اولیه اصول حقوق قراردادهای اروپایی اعمال آن به عنوان قواعد عمومی معاملات در اتحادیه اروپا است، به عبارتی دیگر اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی محدود به قراردادهایی است که واجد دو خصیصه "تجاری" و "بین‌المللی" باشند در حالی که اصول اروپا نسبت به تمام انواع قراردادهای قابل اعمال است، از طرف دیگر، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نسبت به قراردادهایی اعمال می‌شود که جنبه بین‌المللی داشته باشد، نه داخلی، در حالی که اصول حقوق قراردادهای اروپا پوشش دهنده تمام قراردادهای اعم از داخلی و فراملی است (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰). این مطلب به صراحت از مواضع مقررات این دو سند نتیجه‌گیری می‌شود، ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تحت عنوان حسن نیت و معامله منصفانه مقرر می‌دارد:

«(۱) در تجارت بین‌المللی (International law)، هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن نیت و معامله منصفانه اقدام کند.

(۲) طرفین نمی‌توانند این تکلیف را مستثنی یا محدود نمایند.»

با توجه به ذکر عبارت "تجارت بین‌المللی" در صدر بند ۱ این ماده که از جمله مباحث مقررات کلی (General provision) است، این نتیجه بدست می‌آید که شمول مقررات این اصول محدود به حوزه تجارت بین‌المللی بوده و نباید براساس مفاهیم حقوق داخلی تحلیل و بررسی شود. در حالی که ماده ۲۰۱-۱ اصول قراردادهای اروپایی تحت عنوان حسن نیت و معامله منصفانه مقرر می‌دارد:

(۱) هر طرف بایستی مطابق با حسن نیت و معامله منصفانه اقدام نماید.

(۲) طرفین قرارداد نمی‌توانند این تکلیف را مستثنی یا محدود نمایند.

۲۵۷

ملاحظه می‌گردد که این ماده ذکری از تجارت بین‌المللی به میان نیاورده است و در صدر بند ۱ صرفاً به قید "هر طرف قرارداد" بسنده کرده است و با توجه به اینکه این موارد در قسمت "شروط کلی" (General Duties) بیان شده است، این نتیجه بدست می‌آید که این اصول پوشش دهنده تمام قراردادهای اعم از داخلی و فراملی است، به عبارتی این قراردادهای، می‌توانند هم در حوزه حقوق مدنی و هم حوزه حقوق تجارت بین‌الملل (International trade law) این اصول را به عنوان قانون حاکم (Application law) بر قراردادهای خویش انتخاب نمایند.

با بیان این کلیات می‌توان گفت، چون شمولیت و فراگیری این اصول از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از وسعت بیشتری برخوردار می‌باشد و از طرفی با توجه به بند پیشین، محرز شد که اختیارات نمایندگان تجاری و مدیران شرکت‌ها نیز در حوزه PICC قرار می‌گیرد به طریق اولی در حوزه اصول حقوق قراردادهای اروپایی نیز قرار خواهند گرفت. با این اوصاف، فصل سوم این سند در باب اختیارات نمایندگان، در ماده ۱۰۱-۳ تحت عنوان قلمرو فصل مقرر می‌دارد:

(۱) این فصل بر اختیارات نماینده یا سایر واسطه‌هایی که اصیل خود را در خصوص قراردادی با شخص ثالثی مرتبط می‌سازد، حاکم است.

۲) نسبت به اختیاراتی که از سوی قانون به یک نماینده اعطاء شده یا اختیارات نماینده-ای که از سوی یک مقام عمومی یا قضایی منصوب شده است، مقررات این فصل حاکم نمی‌باشد.^۱

۳) نسبت به روابط داخلی میان نماینده یا واسطه و اصیل، مقررات این فصل حاکم نمی‌باشد.

مشاهده می‌گردد، PECL مشابه PICC اولاً بر روابط نمایندگی قراردادی اعم از مدنی و تجاری تأکید دارد زیرا به صراحت بند ۲ این ماده سایر اقسام نمایندگی که به موجب قانون و یا حکم دادگاه می‌باشد از شمول این سند اروپایی خارج استثناء شده‌اند موضوعی که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز بر آن تأکید کرده است. ثانیاً، بند ۳ همین ماده، صرفاً رابطه خارجی نمایندگی یعنی آن رابطه‌ای که پس از اعمال نمایندگی بین اصیل و ثالث شکل می‌گیرد مد نظر قرار داده است. ثالثاً در باب اعطای اختیار بر اساس ماده ۲۰۱-۳ عیناً از ماده ۲-۲-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی پیروی کرده است حتی در بند ۲ آن ماده^۳ از اجازه نماینده برای انجام هرگونه اقدامات ضروری در راستای دستیابی به اهداف اصیل از اعطای اختیار گفته است این به معنای این است که چنانچه نماینده متقبل شود که امورات موضوع اذن را انجام دهد می‌تواند هرگونه اقدام ضروری مرتبط با موضوع اختیارات اعطایی را انجام دهد. لذا همانطور که در باب PICC گفته شد انجام ندادن اختیارات متقبل شده نقض عهد است کما اینکه انجام آن وفای به عهد تلقی می‌گردد. در نتیجه باید گفت که ماهیت اعمال نمایندگی در هر سه

1 Article 3:101: Scope of the Chapter

(1) This chapter governs the authority of an agent or other intermediary to bind its principal in relation to a contract with a third party.

(2) This chapter does not govern an agent's authority bestowed by law or the authority of an agent appointed by a public or judicial authority.

(3) This chapter does not govern the internal relationship between the agent or intermediary and its principal.

2 Article 3:201: Express, Implied and Apparent Authority

(1) The principal's grant of authority to an agent to act in its name may be express or may be implied from the circumstances.

(2) The agent has authority to perform all acts necessary in the circumstances to achieve the purposes for which the authority was granted.

(3) A person is to be treated as having granted authority to an apparent agent if the person's statements or conduct induce the third party reasonably and in good faith to believe that the apparent agent has been granted authority for the act performed by it.

3 (2) The agent has authority to perform all acts necessary in the circumstances to achieve the purposes for which the authority was granted.

نظام مورد مطالعه وفای به عهد است جز مواردی که ناظر بر اهداف آن نظام‌های حقوقی است و یا مربوط به ظواهر، الفاظ و عبارات آنها هست اختلاف چشمگیر دیگری بین آنها وجود ندارد.

۴) کارکرد اعمال نمایندگی

نماینده در چارچوب دستورات اصیل و برای ایشان اقدام می‌کند. او مکلف است طبق نیازهای اصیل و دستورات خواسته شده ایشان کار کند. بند آخر ماده ۶۶۷ قانون مدنی می‌گوید: «... از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل او است تجاوز ننماید.» یا ماده ۶۶۳ ق.م. می‌گوید: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.» ملاحظه می‌گردد که نماینده مطلقاً و کاملاً تابع خواسته اصیل است. حال ممکن است نیاز اصیل یک موضوع مدنی و یا امری تجاری باشد. نماینده هم اصولاً مجاز به تغییر خواسته‌های اصیل نیست. لذا در راستای رفع نیازهای اصیل، اقدامات نماینده منجر به نتایج تجاری (Commercial Advantage) یا غیر تجاری (Non-Commercial Advantage) می‌گردد. از این نتایج تحت عنوان کارکردهای مدنی و تجاری اعمال نمایندگی یاد می‌گردد که ذیلاً به آنها می‌پردازیم. متهمی قبل از آن به تبیین رابطه نمایندگی بطور عام می‌پردازیم، زیرا کارکردها بر مبنای یک رابطه نمایندگی شکل می‌گیرند.

۱-۴) تبیین کارکرد رابطه نمایندگی^۱

از باب تحلیل اقتصادی و بصورت عام، رابطه نمایندگی محدود به عقد وکالت، حق-العمل کاری و... نیست، بلکه هرگاه شخصی از جانب دیگری متعهد به انجام کاری برای او شده باشد، رابطه نمایندگی محقق شده می‌گردد (Ward Fransworth, 2007). لذا، در ساده‌ترین شکل، نمایندگی به آن رابطه‌ای گفته می‌شود که در آن یک طرف به عنوان اصیل (Principal) از اقدامات و کارکردهای شخص دیگری تحت عنوان نماینده (Agent) سود می‌برد. در اینجا هرچقدر نماینده در اعمال نمایندگی دقت، دلسوزی و مهارت

۱. در اینجا به دنبال بررسی نظریه نمایندگی بطور خاص یعنی رابطه امر با نماینده و آثار آن نیستیم. نظریه خاص در برابر نظریه معامله (bargain theory) قرار دارد. در اینجا بدنبال مبانی اعمال نمایندگی و اجرای اختیارات اصیل از طریق نماینده هستیم.

بیشتری به کار گیرد، اصیل منافع بیشتری عاید خواهد شد (Eric, 2000: 25). زمانی یک نماینده سودآوری بیشتری برای اصیل دارد که منطبق با دستورات اصیل گام بردارد. این دستورات در خیلی از موارد ذاتاً تجاری هستند و گاهاً کاربرد غیرتجاری دارد. با وجود شرایط ذیل، عملکرد و اقدامات یک نماینده منطبق با دستورات و در چارچوب اختیارات اعطایی است؛

الف) نماینده در محدوده‌ی موضوع نیابت اقدام نماید،

ب) آن عمل، در محدوده‌ی زمانی و مکانی مجاز صورت گیرد،

ج) اعمال نمایندگی موجب دستیابی اصیل به اهداف خود شود،

و) چنانچه نماینده در راستای اعمال نمایندگی عامدانه از اهرم فشار علیه شخص ثالث استفاده کرده باشد. انتساب به کارگیری چنین اجباری به اصیل امری غیرمنتظره تلقی نگردد، اعمال نمایندگی بایستی در محدوده‌ی کاری نماینده باشد، اعمال نمایندگی بایستی موجب یک ماهیت مساوی با چیزی که به نماینده اجازه داده شده است، یا حداقل به صورت ضمنی مطابق با موضوع نمایندگی باشد، البته دادگاه‌ها و رویه آنان به گونه‌ای است که در ارایه معیارهای تطبیق اعمال نمایندگی با اختیارات اعطایی سخت‌گیری نشان نمی‌دهند، تا نمایندگان با رغبت بیشتری کارهای نمایندگی انجام دهند.

بهرحال، امروزه گماردن نماینده جهت انجام دادن امورات تجاری و اقتصادی، یک هزینه ضروری تلقی می‌گردد، اصیل عملاً و به صورت غیرمستقیم به یک فعالیت اقتصادی وارد می‌گردد، ایشان جهت توسعه فعالیت‌های اقتصادی‌اش و کسب سود مناسب‌تر نماینده‌ای را به کار می‌گیرد، به امید اینکه به منفعتی برسد. این منفعت همان کارکرد اعمال نمایندگی است که خواسته‌های اصیل را تامین می‌کند.

۲-۴) کارکرد مدنی (غیر تجاری)

اعمال نمایندگی به انعقاد قرارداد محدود نمی‌گردد، بلکه نماینده می‌تواند از جانب اصیل انشای ایقاع کند و یا حتی در مواقعی اعمال مادی انجام دهد (حاجیانی، ۱۳۸۶: ۲۴). به همین دلیل برخی نمایندگی را چنین تعریف کرده‌اند: «نمایندگی عبارت است از آنکه شخصی یک عمل حقوقی و به ویژه انعقاد یک قرارداد به نام و به حساب شخص دیگر انجام دهد بطوری که آثار آن عمل حقوقی مستقیماً متوجه اصیل شود». (درودیان، ۱۳۸۵:

۱۰۷) یا برخی دیگر گفته‌اند: «نمایندگی رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن شخصی اختیار می‌یابد از طرف و به حساب شخص دیگری اعمال حقوقی دارای اثر حقوقی را انجام دهد به گونه‌ای که آثار ناشی از آن اقدامات مستقیماً دامن‌گیر شخص اخیر شود». (قنوتی خلف آبادی، ۱۳۸۰) در نتیجه به موجب نمایندگی، یک نماینده اختیار انجام اعمال حقوقی و در مواردی اعمال مادی را به نام و به حساب دیگری (شخص اصیل) دارد. اصولاً آثار این اعمال مستقیماً متوجه خود اصیل می‌شود و در مواردی نیز با تحقق شرایط خاصی آثار آن متوجه شخص نماینده می‌شود. لذا اصل بر غیرتجاری بودن اقدامات نماینده است مگر اینکه اقدامات نماینده و یا شخص نماینده واجد اوصافی باشد که صبغه تجاری به خود گیرد و یا اینکه قانون حاکم بر اقدامات نماینده یک سند تجاری باشد به عنوان نمونه چنانچه نماینده در چارچوب اصول قراردادهای تجاری بین-المللی اقدام یا اسناد مشابه با آن مثلاً کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین کار کند اقدامات ایشان نمی‌تواند غیرتجاری باشد. با ذکر این نکته که یک کارکرد مدنی هم می‌تواند بین‌المللی یا فرامرزی باشد بدون اینکه تجاری محسوب گردد به عبارت دیگر تمام اموراتی که واجد یک عنصر خارجی یا بین‌المللی هستند نمی‌توان الزاماً تجاری نامید.

۳-۴) کارکرد تجاری

چنانچه اقدامات نماینده دارای اوصافی باشد که طبق قانون چنین اقداماتی تجاری باشد و یا اینکه شخص نماینده بر اساس مقررات، تاجر باشد کارکرد اعمال نمایندگی، تجاری محسوب می‌گردد. به عنوان مثال ماده ۳۹۵ قانون تجارت از شخصی که رییس تجارتخانه او را برای انجام امورات مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داد و امضای وی برای تجارتخانه الزام‌آور است بعنوان قائم مقام تجاری یاد می‌کند. اقدام این شخص تجاری محسوب می‌گردد چون شخصاً تاجر است. در لایحه جدید ق. ت. با توجه به عدم جامعیت مقررات ق. ت. در کنار قائم مقام تجاری، نماینده تجاری نیز تعریف شده است. به موجب ماده ۸۸ لایحه تقدیمی به مجلس شورای اسلامی: «نماینده تجاری شخص مستقلی است که بدون قرارداد اجاره خدمات، در برابر تاجر اعطا کننده نمایندگی، تعهد می‌کند که در ازای دریافت اجرت، نسبت به بازار یابی،

مذاکره مقدماتی یا انعقاد قرارداد خرید و فروش یا اجاره کالاها یا خدمات برای مدت محدود یا نامحدود به نام و به حساب او اقدام کند.» این قانون نسبت به قانون فعلی نوآوری‌هایی دارد. در لایحه جدید قانون تجارت به نمایندگی از جهت تحت امر و نظارت بودن نماینده توجه شده و قائم مقام تجارتي در واقع مشخص است که تحت کنترل و نظارت دقیق اصیل بوده و در چارچوب رابطه استخدامی خاصی با اصیل همکاری می‌کند اما نماینده تجارتي شخصی مستقل از اصیل تلقی شده که در چارچوب توافق نمایندگی با اصیل همکاری می‌نماید. در تعریف مذکور تاکید شده که نماینده تجارتي اموری را به نام و به حساب اصیل انجام می‌دهد (نعیمی، ۱۳۸۹: ۳۳۸). این ناظر به موردی است که اعمال نمایندگی از موجبات رابطه حقوقی بین اصیل و شخص ثالث است بر عکس حق العمل کاری که اقدام حق العمل کار از موجبات رابطه حقوقی بین نماینده و شخص ثالث است. مضافاً اینکه قانون جدید تجارت از موضوعات قابل تفویض به قائم مقام تجاری نام برده است موضوعاتی مانند بازاریابی، انجام مذاکرات، انعقاد قرارداد خرید و فروش یا اجاره خدمات، که از این جهت کامل‌تر از قانون فعلی است.

بند ۲ ماده ۱ دستورالعمل شورای اتحادیه اروپا نماینده تجاری را چنین تعریف می‌کند: «نماینده تجاری عبارتست از یک واسطه‌ای مستقل و عمومی که دارای اختیار مذاکره جهت خرید و فروش کالا از جانب شخصی که اصیل نامیده می‌شود را دارا می‌باشد.» به موجب این تعریف نماینده منصوب از جانب اصیل نیست در حالیکه قادر به ایجاد یک رابطه‌ای حقوقی برای اصیل می‌باشد.

در عرصه تجارت بین‌الملل تنوع نمایندگان تجاری به مراتب بیشتر از حقوق داخلی کشورهاست و تردیدی نیست که در عرصه تجارت بین‌الملل نمایندگی نقش اساسی داشته باشد به نوعی که می‌توان گفت این قسم از فعالیت‌های تجاری صرفاً از طریق نمایندگان و واسطه‌ها امکان‌پذیر است. به عنوان مثال صادرکنندگان و واردکنندگان از نمایندگان معمولی استفاده می‌نمایند. قائم مقامان تجاری، عاملان تجاری، نمایندگان عمومی، نمایندگان خاص، حق العمل کاران، دلالان و کارگزاران، متصدیان حمل و نقل، بانک‌ها و سایر واسطه‌های مشابه، نمایندگان بیمه‌ای از جمله کسانی هستند که تحت

شامل ضوابط و مقررات نمایندگی قرار می‌گیرند (Schmitthoff, 1970: 118). بعلاوه اینکه برخی از کارها صرفنظر از اینکه انجام دهنده تاجر باشد یا نباشد ذاتاً تجاری محسوب می‌شوند. مانند معاملات برواتی، در اینگونه موارد نیز اقدامات یک نماینده کارکرد تجاری دارد. اکثر اسناد بین‌المللی از جمله (PICC) اولاً همه نمایندگان تجاری را تحت قلمرو خود دارند، ثانیاً چنانچه فردی اساساً یک نماینده تجاری نباشد ولی عمل او برحسب نوع کار تجاری محسوب گردد باز هم تحت شمول ضوابط اصول قرار می‌گیرد. این موضع دقیقاً شبیه حقوق ایران است. زیرا هر دو نظام حقوقی معیار شخصی (Subjective Criterion) و نوعی (Objective Criterion) را توأمان (Mixed Criterion) مورد پذیرش قرار داده‌اند. در مبحث مربوط به منابع، معیارهای پذیرفته شده در هر یک از منابع بین‌المللی و داخلی مربوط به اعمال نمایندگی مشخص خواهیم کرد.

۴-۴) اعمال نمایندگی الکترونیکی

ابتدائاً در اینجا لازم است که مفهوم تجارت الکترونیک روشن شود، زیرا باید بدانیم که آیا تجارت الکترونیک صرفاً ناظر بر خرید و فروش کالا و خدمات به صورت الکترونیکی است؟ یا اینکه قلمرو آن وسیع‌تر از این بوده و شامل نمایندگی‌های تجاری نیز می‌گردد. بعلاوه اینکه مهم است که بدانیم، آیا مقررات تجارت الکترونیک فقط اعمال تجاری پوشش می‌دهد و شامل اقدامات مدنی نمی‌شود؟ و اینکه آیا واسطه مد نظر مقررات تجارت الکترونیک فقط اینترنت است و واسطه‌هایی چون تلفن، رادیو، تلکس، فکس و... مد نظر نیست؟

گرچه تجارت الکترونیک یک مفهوم متداول و با کاربرد فراوان است و هر روز بر دامنه کاربرد و کارایی آن افزوده می‌گردد، اما مفهوم واضح و روشنی ندارد و تاکنون با اینکه تلاش‌های زیادی برای ارائه یک مفهوم روش، کلی و جامع صورت گرفته است ولی موفق نبوده است. علت این امر نیز وسیع بودن دامنه فعالیت‌های الکترونیکی و متحول بودن آن می‌باشد (ساواری، ۱۳۸۹: ۵۰۰). در تعریف مضیق، تجارت الکترونیک عبارت است از خرید و فروش کالا و خدمات از طریق اینترنت. اتحادیه اروپا در تعریفی، تجارت الکترونیک را شامل کلیه ارتباطات و معاملاتی می‌داند که به صورت آنلاین انجام می‌گیرد. این اتحادیه، در توصیف تجارت الکترونیک چنین تصریح می‌دارد:

"هر نوع کسب و کار تجاری که در آن طرفین با یکدیگر روابط متقابل الکترونیکی دارند تا روابط حضوری. تجارت الکترونیک متضمن دو نوع فعالیت است: نوع اول مربوط به سفارش الکترونیکی کالا است که با استفاده از مجاری سنتی مانند خدمات پستی یا پیک های تجاری به صورت حضوری تحویل می‌گردد و نوع دوم عبارت است از تجارت الکترونیکی بی‌واسطه در سطح جهان از جمله سفارش آنلاین، پرداخت و تحویل کالاهای غیرقابل لمس و خدمات مانند نرم افزارهای کامپیوتری، خدمات تفریحی و خدمات اطلاع رسانی آنسیترال نیز در تعریف خود، قلمرو وسیع‌تری را پذیرفته است:" استفاده از ابزارهای الکترونیکی، نوری یا ابزارهای مشابه از جمله، و نه محدود به آنها، مبادله الکترونیکی داده‌ها، پست الکترونیکی، تلگرام، تلکس یا فاکس" (ساورایی، ۱۳۸۹: ۵۰۱).

قانون تجارت الکترونیک ایران تعریفی از تجارت الکترونیک به عمل نیآورده است؛ اما ماده ۱ این قانون می‌تواند در تعیین قلمرو قانون یاد شده گره‌گشا باشد. ماده ۱ چنین مقرر می‌دارد: «این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید به کار می‌رود.» طبق این ماده، قانون تجارت الکترونیک ایران قلمرو بسیار وسیعی را پذیرفته است؛ یعنی این قانون نه تنها شامل هرگونه ارتباط الکترونیکی اینترنتی می‌گردد؛ بلکه شامل سایر واسطه‌های الکترونیکی از جمله تلفن، اعم از ثابت و همراه، فاکس، تلویزیون، سیستم‌های کامپیوتری پرداخت الکترونیکی و انتقال وجوه، مبادله الکترونیکی داده‌ها، تابلوی اعلانات الکترونیکی، دستگاه رمزخوان (Barcode Readers) کارت‌های اعتباری (Credit Cards) صندوق خودپرداز بانکی (Automated Teller Machine (ATM)) و غیره نیز می‌گردد با ملاحظه این تعاریف و اوصاف این نتیجه بدست می‌آید، اولاً تجارت الکترونیک تمام اقدامات و مبادلات اعم از خرید و فروش و نمایندگی دربر می‌گیرد، ثانیاً منحصر به اینترنت نمی‌باشد.

در خصوص اینکه شمول مقررات تجارت الکترونیک نسبت به معاملات غیرتجاری، قانون ایران صراحت ندارد. قانون تجارت الکترونیک ایران با به کار بردن عنوان "تجارت الکترونیک" این مفهوم را تداعی می‌کند که فقط شامل اعمال تجاری موضوع

ماده ۳ و معاملات تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت می‌گردد. این امر در حالی است که قلمرو حاکمیت این قانون با توجه به ماده ۱ و سایر مواد، صرفاً محدود به فعالیت‌های تجاری نمی‌گردد؛ بلکه این قانون نه فقط شامل روابط تجار و اعمال تجاری از هر نوع بلکه به دلایل زیر شامل روابط غیرتجاری نیز می‌گردد: ماده ۱ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد که "این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید به کار می‌رود". همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، مفاد ماده ۱ این قانون اشاره‌ای به امور تجاری نمی‌کند بلکه با آوردن عبارت "مبادله آسان و ایمن اطلاعات" شامل کلیه روابط الکترونیکی اشخاص می‌گردد؛ اعم از این که این روابط تجاری باشند یا نباشند (ساوریایی: ۸) قانون نمونه آنسیترال در تعریف تجارت الکترونیک به جای استفاده از عبارت "معاملات تجاری" از عبارت "فعالیت تجاری" استفاده کرده است^۳ که مفهومی وسیع‌تر از

۱. ماده ۳ قانون تجارت: معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آن‌ها تجاری محسوب می‌شود: ۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها؛ ۲- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیرتاجر برای حوایج تجاری خود می‌نماید؛ ۳- کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نماید؛ ۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری؛

۲. ماده ۲ قانون تجارت: معاملات تجاری از قرار ذیل است: ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد. ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد. ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره. ۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوایج شخصی نباشد؛ ۵- تصدی به عملیات حراجی؛ ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی؛ ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی؛ ۸- معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیرتاجر باشد؛ ۹- عملیات بیمه‌ی بحری و غیربحری؛ ۱۰- کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آن‌ها.

3 Article 1 of UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce under the title of "Sphere of application" specifies as follows: "This Law applies to any kind of information in the form of a data message used in the context of commercial activities". The term "commercial" should be given a wide interpretation so as to cover matters arising from all relationships of a commercial nature, whether contractual or not. Relationships of a commercial nature include, but are not limited to, the following transactions: any trade transaction for the supply or exchange of goods or services; distribution agreement; commercial representation or agency; factoring; leasing; construction of works; consulting; engineering; licensing; investment; financing; banking; insurance; exploitation agreement or concession; joint venture and other forms of industrial or business cooperation; carriage of goods or passengers by air, sea, rail or road."

معاملات تجاری است و کلیه روابط را شامل می‌گردد. حال با توجه به اینکه تجارت به فعالیت‌های اقتصادی و انتفاعی از قبیل خرید و فروش کالا و خدمات، نمایندگی، توزیع، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، پیمانکاری، ارائه خدمات مشاوره‌ای، همکاری‌های فنی، سرمایه‌گذاری، حق‌العمل‌کاری و امثال آن اطلاق می‌گردد. در یک نگاه وسیع، زمانی که تجارت از طریق ارتباطات الکترونیکی انجام شود تجارت الکترونیکی محقق می‌شود (شیروی، ۱۳۹۱: ۳۹۹). با این اوصاف، اعمال نمایندگی الکترونیکی زمانی است که نماینده امورات اصیل را از طریق واسطه‌های الکترونیکی انجام دهد. لذا زمانی که یک نماینده از این طریق برای اصیل خرید و فروشی انجام دهد این مبادلات الکترونیکی محسوب می‌گردند و مشمول ضوابط مقررات تجارت الکترونیک خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اعمال نمایندگی یک ماهیت حقوقی است که در گذشته کمتر به آن پرداخته شده، زیرا بیشتر آن مطالعات حول تئوری نمایندگی به عنوان یک مجموعه واحد بوده است لهذا به رکنی چون اعمال نمایندگی به شیوه‌ای که در اینجا مدنظر قرار گرفته توجهی نشده است. هر چند که بررسی کلیه ابعاد این پدیده حقوقی در این مقاله نمی‌گنجد لیکن برای ارائه این موضوع به عنوان یک نظریه حقوقی ضرورت داشت که در ابتدا مفهوم، ماهیت و کارکردهای آن تعریف، روش و معلوم گردد با ذکر این نکته که اعمال نمایندگی در امور قراردادی مد نظر این پژوهش بوده است. در اینجا با توجه به سه نظام حقوقی مختلف به این موضوع پرداخته شد و علاوه بر اینکه ماهیت اعمال نمایندگی معلوم گردید، کارکردهای آن بیان شد و یافته‌های بدست آمده نیز به صورت تطبیقی تبیین شد بر اساس این مطالعات می‌توان گفت؛ اولاً در هر سه نظام حقوقی مورد مطالعه، اعمال نمایندگی یک ماهیت حقوقی است این ماهیت، نقش اجرایی و عملیاتی در بطن تئوری نمایندگی را به عهده دارد لهذا به صورت یک ماهیت حقوقی مجزا، در عین حال مرتبط با تئوری نمایندگی قابل ارائه است بعلاوه اینکه کارکردها و آثار ناشی از آن به آن تئوری نیز تسری می‌یابد به نحوی که می‌توان گفت آثار نمایندگی به موجب نقش اجرایی و عملیاتی نماینده حادث می‌گردد. ثانیاً رویکرد نظام‌های حقوقی مورد مطالعه به این گونه



ماهیت و
کارکرد
نمایندگی در
قراردادهای
تجاری بین
المللی ایران و
اروپا

است که اعمال نمایندگی مرادف با اجرای تعهدات متقبل شده توسط یک نماینده می‌باشد که این تعهدات به صرف اعطای اختیار محقق نمی‌گردد بلکه منوط به اعلام رضایت صریح یا ضمنی نماینده می‌باشد هرچند که نمایندگی به محض اعطای اذن صورت می‌گیرد لیکن تحقق آن برای نماینده منوط به رضایت ایشان است در این موقع است که تخلف نماینده نقض عهد محسوب می‌گردد و اقدام او وفاء به عهد می‌باشد. ثالثاً کارکردی‌های اعمال نمایندگی در نظام‌های مورد مطالعه بر پایه اهداف نظام‌های حقوقی مورد مطالعه متفاوت است به عنوان مثال کارکرد اعمال نمایندگی در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی الزاماً تجاری بین‌المللی است لیکن در اصول حقوق قراردادهای اروپایی و حقوق ایران می‌تواند تجاری یا مدنی اعم از ملی و بین‌المللی باشد بعلاوه اینکه بر حسب نوع وسایل مورد استفاده برای اعمال نمایندگی می‌تواند دارای کارکرد الکترونیکی هم باشد. علی‌ای حال به نظر می‌رسد که حقوق داخلی ایران به جز در موارد جزئی با اصول و مقررات اسناد حقوقی مورد مطالعه، حداقل در این موضوع، تفاوت چشمگیر و چندانی ندارد لهذا زمینه مناسب برای هماهنگ‌سازی با مقررات بین‌المللی در زمینه روابط و مبادلات بازرگانی بین‌المللی فراهم می‌باشد و فقط همت قانونگذار می‌تواند که مقررات مربوطه را دسته‌بندی و منسجم نماید تا از پراکندگی و تشتت آراء و برداشت‌های مختلف جلوگیری نماید و همچنین امنیت حقوقی بین‌المللی نسبت به مقررات داخلی کشور ارتقاء بخشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- آتشی گلستان، م. ۱۳۸۸. شرکت‌های خارجی در حقوق ایران، انتشارات بهنامی، چاپ اول. امیری، م. ۱۳۹۰. نظام حقوقی حاکم بر نمایندگی‌های خارجی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری لنگرودی، م. ج. ۱۳۸۲. مجموعه محشی قانون مدنی، تهران، گنج دانش، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، م. ج. ۱۳۹۰. ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات راه دانش، چاپ بیست و سوم.
- حاتمی، ع. و کریمیان، ا. ۱۳۹۳. حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، تهران، تیسرا.
- حاجیانی، ه. ۱۳۸۶. حقوق نمایندگی، انتشارات دانش نگار.

- خلاق، ب. و امام. ف. ۱۳۹۳. فرهاد امام، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش)، تهران.
- درویدیان، ح. ع. ۱۳۸۵. تقریرات درس حقوق مدنی ۳، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- دهخدا، ع. ا. ۱۳۳۷، لغت نامه، تهران، چاپخانه دولتی ایران.
- ساوری، ب. ۱۳۸۹. مقاله نقدی بر قانون تجارت الکترونیک ایران، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۰.
- ساوری، ب. ۱۳۹۱. مقاله قلمرو قانون تجارت الکترونیک ایران تحلیل ماده یک، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۷.
- شعاریان، ا. و ترابی، ا. ۱۳۸۹. اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، تبریز، انتشارات فروزش.
- شیروی، ع. ح. ۱۳۹۱. حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها، چاپ چهارم.
- قنواتی خلف آبادی، خ. ۱۳۸۰. نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- قنواتی، ج. ۱۳۸۸. اصول حقوق قراردادهای اروپایی، مقاله: «حامل سنت‌ها، پاسخگویی نیازها» نامه مفید، شماره ۷۶.
- کاتوزیان، ن. ۱۳۸۳. عقود معین، جلد چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- معین، م. ۱۳۶۴. فرهنگ معین، جلد ۴، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ن. ۱۴۲۵. انوارالفقاهه، جلد اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- النائینی، م. ح. ۱۴۱۸. منیه الطالب، جلد اول، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نعیمی، ع. ۱۳۸۹. مقاله نمایندگی تجاری، مجله دانشکده حقوق و علوم انسانی، دوره ۴۰، شماره ۸۹.
- هداوند، م. ۱۳۸۴. حقوق مالکیت صنعتی و قراردادهای بین‌المللی، مجله تدبیر، شماره ۱۵۸.
- Convention on Agency in the International sale of Goods, 1983.
- Convention Relation to a Uniform Law on the International Sale of Goods [ULIS], 1964, <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/text/ulis.html>.
- Convention Relation to a Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Good [ULF], 1964.
- Council Directiverlating to self- employed commercial Agents, the council of the European communities.
- England, Superme Court Act 1981, <http://www.england-legislation.hmsogov.uk/acts/acts1981/pdf.ukpga.19810054.en.pdf>.
- Eric A., Posner. 2000. Agency Models in Law and Economics, in Chicago Lecturs in law and Economics. Available online at: <http://www.law.uchicago.edu/files/92>.
- International Convention for the unification of certain rules of law relating to bill of Lading, 1924 (Hague Rules)
- Ivamy E. Hardy R. 1971. Casebook on Agency, London, Butter worths.
- Meyer, L. 2006. Soft law for solid contract, A comparative Analysis of the value of the UNIDROIT principles and the PECL to process of contract law Harmonization, Denver Journal of International Law and policy.
- Principle of International commercial contract, 2010.

Protocol to Amend Hague- Visby Rules (1968).
Schmitthoff, C.1970. Agency in International Trade, A Study in Comparative Law, 117 Rec. Cours, at 115 et seq.
The Hague convention on the Law Applicable to Agency,1978.
United Nations Convention on Contracts for the International Carriage of Goods wholly or partly by sea, 2009.
United Nations Convention on international multimodal & Yansport of Goods, 1980.
United Nations Conventions on the carriage of Goods by sea, 1978 (Hamburg Rules).
Ward., FW. 2007. The Legal Analyt: A Toolkit for Thinking about the Law 87,The University of Chicago Press.

۲۶۹

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نخست، شماره
بیست و ششم
زمستان ۱۳۹۶

